

پرسه در خبر

۴ استاد برجسته بین‌المللی تئاتر در ایران



● **گروه هنر:** کلاس‌های آموزشی همایش برگزیدگان جشنواره تئاتر استانی با حضور چهار استاد برجسته تئاتر برگزار خواهد شد.

این کلاس‌های آموزشی با حضور آرنو لابل روزو (فرانسه)، جانی آلن (استرالیا)، ژان فرانسوا دوسین (فرانسه) و صدالدین زاهد (ایران) برگزار می‌شود. آرنو لابل روزو (Arnaud Labelle-Roujou) هنرمند، مقاله‌نویس و تاریخ‌نویس پرفرمنس آموزش‌دیده در مدرسه هنرهای زیبای پاریس است که با کمی شوخ‌طبعی در تآارش به هنر و وسعت آن به شکل آزادانه، ایزورد، شاعرانه و کودگانه می‌پردازد؛ آثار او تحت‌تأثیر آلن کایرو، مارسل دوشان، رابرت روشنبرگ و همین‌طور جنبش هنری فلوکسوس بوده و همچنین هنرمندی است که از ابزاری مانند مجسمه، شعر، پرفرمنس، موسیقی و... برای ارائه کارش استفاده می‌کند، وی در اواخر دهه ۷۰ میلادی در حوزه پرفرمنس شناخته شده و در سال ۱۹۸۹ با ارائه کتاب مرجعی به نام «کنش برای هنر» به‌عنوان تاریخ‌شناس پرفرمنس مطرح شد.

قابل ذکر است که آرنو روزو در پاریس زندگی می‌کند و تا سال ۲۰۱۶ از اساتید مدرسه ملی هنر ویسا آرسن شهر نییس بوده و شرح درس او در این همایش کارگاه خلّاقه‌ای است که در چهار جلسه سه‌ساعته با ظرفیت ۲۰ نفر برگزار خواهد شد و در این جلسات تلاش می‌شود به روش‌های مختلف، خلاقیت شرکت‌کنندگان در کارگاه تحریک شده و نشان داده شود که چگونه خلاقیت در هر نقطه‌ای قابل آشکارشدن است. در این کلاس از هر یک از شرکت‌کنندگان دعوت می‌شود تا با مواد اولیه‌ای برای کار به کارگاه بایاند که منظور از مواد اولیه، نطفه یک اجراست؛ ایده‌ای در حال پردازش تا در طول کارگاه روی این ایده‌ها کار شود که به اجرا نزدیک شوند.

جانی آلن (johnny Alexander Harison Allen)، هنرمند، نویسنده، معمار و مخترع استرالیایی، قریب به ۴۰ سال است که در شهر جبرجی اورویل در غرب هند تلاش کرده تا با استفاده از مواد اولیه بومی و قابل دسترس دست به اختراعات مفید و قابل استفاده بزند تا این شهر کم‌درآمد را با روش‌های عملی به نوعی زندگی بدوی ام‌مدرن تبدیل کند؛ از اختراعات او می‌توان به ماشین بخار هیزمی، خسته‌های سبک ساخته‌شده از بامبو که در برابر قوی‌ترین توفان‌ها مقاومت می‌کنند، خلق صحنه‌های عظیم تئاتری با استفاده از مواد بازیافتی و ساخت قایق بادبانی با استفاده از پلاستیک‌های بازیافتی اشاره کرد؛ در این کارگاه جانی آلن و همکارش امید هاشمی‌دکترای پرفرمنس آرت از سوربن، با استفاده از ترکیب مواد بازیافتی و مواد طبیعی بومی به تولید یک جیدمان با محوریت هندسه ایرانی و اسلیمی خواهند پرداخت و از چهار محور اصلی کار با ابزار، تحریک خلاقیت برای استفاده از مواد بازیافتی و بومی، تولید ابزار صحنه، شناخت و ایجاد فضا تبعیت خواهند کرد. ضروری است شرکت‌کنندگان این کارگاه دستکش، لباس کار، جعبه ابزاری کوچک حاوی چکش، اره، انبردست و سیم‌قطع‌کن همراه داشته باشند.

ژان- فرانسوا دوسین (Jean François Dusigne) استاد دیگر این کارگاه‌هاست که سابقه تدریس در دانشگاه پاریس هشت، عضویت خانه علوم انسانی پاریس، مدیریت مؤسسه تحقیقاتی سنست‌های بازیگری با شراکت آرنین منوشکین و بازیگری گروه «تئاتر خورشید» به سرپرستی آرنین منوشکین را در کارنامه خود دارد.

گفتنی است در این کارگاه ژان دوسین با استفاده از تکنیک‌های بازیگردانی به هنرجویان کمک می‌کند تا یک روایت شخصی از خود را به روی صحنه بربند و از هنرجویان خواسته شده با خود یک چمدان کوچک حاوی یک شی، و یک عکس شخصی که برای هنرجو از اهمیت خاصی برخوردار است، یک دست لباس شیک و اغبانی، یک دست لباس فقیرانه، یک دست لباس تمرین و یک قصه به همراه داشته باشند.

صدالدین زاهد، هنرمند ایرانی، یادگاری از کارگاه‌های زاهد، همچنین در این کارگاه ده‌ها روش تمرین صحیح و متدولوژیک از شناخت بدن و عضلات، یوگا، حرکات تعادلی، حرکات آرامشی، تمرینات مربوط به تقویت پنج حس، تخیل، بداهه‌پردازی، روش درست تجسم نقش، حرکت، انواع ریتم، تمرینات تک‌نفره و جمعی و میدانی، به‌صورت سرفصل ارائه خواهد شد و وسایل مورد نیاز این کارگاه تشک رول انفرادی، لباس تمرین، سه توپ تنیس برای هر نفر، ساز دهنی (هر نفر یک ساز همچون سبوت یا دف یا تنبک یا مثلث و...) و یا هر ساز سبوت‌ای کوچک همچون دو قطعه چوب که به صدا در آید، اعلام شده است. توضیح اینکه این کلاس‌های آموزشی در چهار روز از تاریخ ۲۱ لغایت ۲۴ آذرماه ۱۳۹۷ در پلاتوهای یک و دو تئاتر-شهر، تالار چارسو و همچنین کارگاه دکور تالار وحدت برپا خواهند شد. حدود ۱۳۰ هنرمند منتخب از همه استان‌های ایران در این کلاس‌ها حضور خواهند داشت.

گروه هنر: احمدرضا دالوند ناسازگار بود، با خود و دیگران و البته بیش‌ازهمه با خود. تنها برایش هنر مانده بود و بس. از این‌رو هیچ سهل‌انگاری‌ای را در هنر برنمی‌تابید، پر از خشم بود و خلاقیت، با هیچ‌کس مصالحه و مسامحه نمی‌کرد اما همچنان آنان که می‌شناختندش و به خلق‌وخوی او آشنا بودند، قدرش را می‌دانستند و با احترام از او سخن می‌گفتند. دالوند از خود دریایی به یادگار گذاشته است؛ دریایی از کارهای ماندگار در مطبوعات ایران. نام او با مطبوعات دوم‌خردا گره خورده است؛ خاصه روزنامه‌هایی که با سردبیری ماشالله شمس‌الواعظین منتشر می‌شد. اما بیش از هر چیز و هرجا او آدینه‌ای است؛ مجله روشنفکری دهه ۷۰ که از تأثیرگذارترین نشریات دوران خودش بود. چرا مردی که با همه سر ناسازگاری داشت، این‌گونه زود با مرگ سازگار شد؟

احمدرضا دالوند پس از تحمل دوره‌ای بیماری بامداد دوشنبه ۱۹ آذر درگذشت.

زن‌دهاد احمدرضا دالوند همواره در مقام منتقد هنری، نویسنده، پژوهشگر، تصویرگر، طراح گرافیک و مدیر هنری با بسیاری از روزنامه‌ها و ماهنامه‌های ایران همکاری کرده است.

هنر

ناسازگاری که با مرگ سازگار شد



احمدرضا دالوند

تجسمی بعد از انقلاب است و صداها اثر تصویرسازی از او در سال‌های پس از انقلاب در مطبوعات مستقل و معتبر به چاپ رسیده است.

دالوند در سطح بین‌المللی نیز فعالیت‌های مؤثری

او فارغ‌التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است و شاگرد افراد سرشناسی مانند مرتضی ممیز، صادق بربرانی و هانیبال الخاص بوده است. دالوند نخستین منتقد هنر

به یاد احمدرضا دالوند

نوک راپید او باریک تر بود



برایم بسیار جذاب بود و ما در آتجا با مدیریت هنری معتمدی کار می‌کردیم. البته دوستان دیگری مثل مرتضوی هم بودند و ما از این درکنارهم‌بودن لذت می‌بردیم. به همین دلیل هم هست که چندان حال خوشی ندارم از اینکه می‌بینم آدم‌های بسیار مؤثری مثل دالوند که باید دیرپاتر در زندگی باشند، چرا یک‌باره با یک بیماری از پای درمی‌آیند، درحالی‌که او می‌توانست همچنان دانشجویان و هنرجویان بسیاری را در جریان فعالیت هنری‌شان راهنمایی کند. اما کمتر کسی از چنین روحیه‌ای برخوردار است یا می‌تواند شرایط را به نفع دیگران فراهم کند. ما نمی‌توانیم شرایط او را تحمل کنیم، به نظر می‌رسید که تنها باشد، اما این تنهایی خیلی در زندگی‌اش تأثیرگذار بود. چنانچه در همین روزهای آخر فرصتی داد که به دیدنش بروم و زمان طولانی و شاید بیشتر از نیم‌ساعت با او هم‌صحبت شدم و دیدم که راه‌حل‌های زیادی برای عبور از بیماری‌اش پیدا کرده و خیلی امیدوارانه دارد حرف می‌زند و خوشحال شدم از این حس‌وحالش، بی‌آنکه بدانم اینها فقط در حد ایده است و

دالوند منتقد هنری باارزشی بود

کسری نوری: احمدرضا دالوند غیر از اینکه هنرمند و گرافیس‌ت برجسته‌ای بود، به اعتقاد من در کار خودش و در حوزه گرافیک هنرمندی صاحب‌سبک و مؤلف نیز بود. در حوزه گرافیک مطبوعاتی با روزنامه «جامعه» یک درگونی به‌یادماندنی را از خودش به‌جا گذاشت، هرچند پیش از این مدیر هنری بسیاری از مجلات بود، اما قطعا کارش در روزنامه «جامعه» همراه با یک جهش و نوآوری بود و قطعا تلاش‌هایش ماندگار است.

نگاهی به نمایش موزیکال بینوایان

بینوایان لاکچری

به‌ویژه بخش پایانی آن را با شرایط اجتماعی ما همسان یافته‌اند؟ آیا رمانس نهفته در به‌لایه‌ای این فضای تلخ و تیره باعث انتخابش برای اجرا در ایران امروز شده؟ می‌دانیم که بینوایان در رده آثار روماننتیسیستی مدرن قلمداد شده است؛ یعنی ازجمله نخستین رمان‌های با روایت کلان است که با نگرشی رمانتیک می‌کوشد روایتگر بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی فرانسه در دوران پیش از انقلاب کبیر – نخستین انقلاب سیاسی و اجتماعی جهان – باشد. غم و اندوه و حسرتی که در سرتاسر این رمان نهفته و البته پایان آرمان‌خواهانه‌اش، از جمله عواملی است که باب طبع همه انسان‌ها، فارغ از رنگ و نژاد و اقلیم است. به یاد داشته باشیم که نمونه‌های اقتباسی از این اثر در ژاپن، سریلانکا، هندوستان، برزیل، «کره‌جنوبی»، مصر و شوروی سابق هم وجود دارد. راز این موفقیت، در رویکرد رمانتیکش نهفته که چون با احساس و عواطف بشری توأم است، از همه دل می‌ریاید وگرنه، اگر بنا بر منطق همه انسان‌ها، رمان نمونه کامل بی‌منطقی در روایت است؛ مثلا وقتی گارچی بینوا زیر چرخ گاری‌اش در حال له‌شدن است، آن‌همه مرد و جوان تماشاگر این حادثه‌اند و برای نجات او دستی بالا نمی‌زنند، به این بهانه که زورشان نمی‌رسد. ناگهان شهردار (همان ژان‌والژان زندانی فراری) از راه می‌رسد و یک تنه مرد را نجات می‌دهد، با این تدبیر که بازرس ژاور با دیدن این عمل مثلا محیرالعقول شک ببرد که شهردار همان زندانی فراری است و از این دست کاف‌های ضدمنطقی در رمان بسیار دیده می‌شود که می‌شود گذاشت به حساب ساختار رمانتیکش و نادیده گرفت. به‌عبارت دیگر درون‌مایه اثر چنان قوی و سراسر از حس انسانی است که همه این

داشته است؛ از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به کار در مجله «وینی ورلد» اشاره کرد.

او بارها در مقام یک ستون‌نویس در روزنامه‌های تهران امروز، آسیا، شهروند، «شرق» و وقایع‌اتفاقیه فعالیت کرده است. عمده کارهای او در نشریات از این قرار بوده است: در ماهنامه آدینه (به سردبیری سیروس علی‌نژاد) به‌عنوان طراح و نویسنده، ماهنامه دنیای سخن (به سردبیری هوشنگ حسامی) به‌عنوان طراح و نویسنده، ماهنامه صنعت حمل‌ونقل (به سردبیری عمید نائینی) به‌عنوان مدیر هنری و طراح، ماهنامه ایران فردا (دوره نخست در زمان حیات عزت‌الله سحابی) به‌عنوان مدیر هنری و طراح، ماهنامه فیلم (به سردبیری هوشنگ کلمکانی) به‌عنوان طراح و نویسنده، ماهنامه گلستانه، به‌عنوان نویسنده، مدیر هنری و طراح، ماهنامه تدبیر (به سردبیری محمدمهدی قرقانی) به‌عنوان مدیر هنری و طراح و ماهنامه اقتصاد انرژی (به سردبیری علیرضا فرهمند) به‌عنوان مدیر هنری و طراح گرافیک.

مراسم تشییع پیکر احمدرضا دالوند صبح امروز سه‌شنبه ۲۰ آذر ساعت ۱۰ صبح در باغ هنر خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

او باید خیلی زودتر از میان ما برود. در این شرایط از دوستانم و دوستان انجمن هنرهای تجسمی و همه آتهایی که به دالوند علاقه‌مند هستند، می‌خواهم که فکری برای گردآوری کاریکاتورهایش کنیم و آنها را در یک مجلد برای نسل‌های امروز که حتما آشنایی با این آثار ندارند، منتشر کنیم. او بیشتر در دهه ۷۰ این کاریکاتورها را کشیده است و کمی کمتر در دهه ۸۰ فعالیت می‌کرد و در این اواخر دیگر از او اثری را نمی‌دیدم. اما اینها در کنار هم می‌توانند برای همه آدم‌هایی که در گوشه‌های دیگر این شهر کار هنری می‌کنند، ایده بدهند. همچنین دالوند نقدها و نظرهایی هم داشته‌اند که آنها را در روزنامه‌ها و مجلات نوشته‌اند که آنها هم در یک کتاب می‌توانند گردآوری شوند. او برای خودم چند نقد در روزنامه ایران و «شرق» نوشت. به‌رحال چون شکل نوشتار دارند، با حداقل‌هایی قابل چاپ و انتشار هستند. به نظر می‌آید چنین کارهایی را در رابطه با دالوند باید کرد.

در پایان بنابر آنچه در تقویم آمده که هنرمندانی در آذرماه فوت کرده‌اند؛ مثل مرتضی ممیز و دالوند، امید که آذرماه همواره ماه تولد هنرمندان باشد. من خودم متولد آذرماه هستم. به‌رحال جای دالوند در میان ما بسیار خالی است و شاید برخی از ما رفتارهایی داشته باشیم که آدم‌ها آنها را به حساب دیگری بگذارند و این به حال‌وهوای آدم‌ها برمی‌گردد... و شاید مورد دیگر این است که در این روزها شاید آدم‌ها تنها شده باشند و باید که بیشتر دیده شوند! همچنین شنیده‌ام که او یک دختر دارد که این روزها به ایران برگشته. من به او و خانواده‌اش و همه دوستانم که در غم رفتن دالوند اندوهگین هستند، تسلیت می‌گویم. امیدوارم که همه‌چیز به خیر بگذرد و روحش آمرزیده شود که حتما با این‌همه کارهای خوبی که کرده، آمرزیده شده است.

دوست و متخصصی دلسوز را از دست داد. احمدرضا دالوند به‌جز اینکه یک طراح و گرافیست بود، یک منتقد هنری باارزش در حوزه هنرهای تجسمی محسوب می‌شد. نکته‌بینی و دیدگاه‌هایی که در حوزه نقد مطرح می‌کرد قابل‌تأمل بود و در حوزه نقد نیز آثار قابل‌توجهی دارد و از آموزش‌دادن به جوان‌ها لذت می‌برد. متأسفم برای خودمان و جامعه رسانه‌ای که چنین دوستی را از دست داد.

حرف‌های و مرعوب‌کننده از کار در آمده‌اند. بله می‌پذیریم که «فیض روح‌القدس از باز مدد فرماید، دیگران هم بکنند آن چه مسیحا می‌کرد». خب فعلا که اوضاع این‌جوری است. این اجرا را به‌عنوان نوعی تابوشکنی در حتما منشا اثر خواهد بود. باید مد نظر داشت؛ اما فرض را بر این بگذارید که برخی رانت‌ها، باعث شده این نمایش به صورت فعلی شکل بگیرد. خب اشکال کار چیست؟ من البته در آن اشکال می‌بینم؛ اما نه اینکه چرا برخی از این اجازه‌ها دارند و برخی ندارند. اشکال نمایش این است که دست‌کم تا نیمه نخست، ما با اجرایی پرشور و جذاب روبه‌رویم؛ اما در نیمه دوم به‌ویژه از هنگامی که وارد فاز رمانتیک و پیداشدن سروکله عشق کوزت و ماریوس می‌شود، نم‌کم ملالی هم به همراه می‌آورد که ناچاری روی منبذلی‌ات مرتب جابه‌جا شوی تا این لحظات کشدار بگذرند. به‌ویژه آنکه وجه موزیکال در اغلب این صحنه‌ها فراموش شده، شاهد اجرایی معمولی هستیم. بازی نودین محمدزاده در نقش ژان والژان، هوتن شکیبا و سحر دولتشاهی در نقش آقا و خانم تئاردیه و پریناز ایزدیار در نقش فاتتین (مادر کوزت). کم‌ویش متقاع‌کننده است. به‌ویژه شکیبا و دولتشاهی چنان پرانرژی بر صحنه حاضر می‌شوند که بقیه بازی‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهند. **ادامه در صفحه ۱۳**

زیر آسمان فیروزهای

گرامیداشت معصوم احمدی



● **گروه هنر:** مراسم گرامیداشت معصوم احمدی، همسر عبدالرحمن شرف‌کندی، نویسنده مشهور کرد، ۲۲ آذرماه در تالار مولوی دانشگاه کردستان برگزار می‌شود. این مراسم با همت پژوهشگاه کردستان‌شناسی و دانشگاه کردستان برگزار می‌شود. همچنین در این مراسم از سند آثار تقدیم‌شده عبدالرحمن شرف‌کندی به دانشگاه کردستان رونمایی می‌شود. از آثار عبدالرحمن شرف‌کندی به زبان فارسی می‌توان به ترجمه «قانون در طب» اشاره کرد.

اعلام نامزدهای سه رشته جشن منتقدان سینما

- گروه هنر:** نامزدهای سه رشته بهترین طراحی صحنه و لباس، بهترین چهره‌پردازی و بهترین مهندسی صدا در دوازدهمین جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران معرفی شدند. اسامی نامزدهای سه رشته مذکور بر اساس جمع‌بندی آرای اعضای آکادمی جشن به شرح زیر است:
- نامزدهای بهترین طراحی صحنه و لباس:** عباس بلوندی (سرو زیر آب)، محمدرضا شجاعی (شعله‌ور)، محمدرضا شجاعی (تنگه ابوقریب)، محسن نصراللهی و مارال جیرانی (مغزهای کوچک زنگ‌زده)، محسن شاه‌ابراهیمی و سارا خالدي‌زاده (بمب، یک عاشقانه)، بابک پناهی و نازی پرتوزاده (به وقت شام)

- نامزدهای بهترین چهره‌پردازی:** سعید ملکان (تنگه ابوقریب)، مهرداد میرکیانی (شعله‌ور)، عباس عباسی (چهارراه استانبول)، ایمان امیدواری (مغزهای کوچک زنگ‌زده)، فاطمه کمالی و زهرا کمالی (دارکوب)

- نامزدهای بهترین مهندسی صدا:** طاهر پیشوایی و علیرضا علویان (به وقت شام)، مهران ملکوتی و علیرضا علویان (مغزهای کوچک زنگ‌زده)، رشید دانشمند و امیرحسین قاسمی (تنگه ابوقریب)، ایرج شهزادی (بمب، یک عاشقانه)، علی عدالت‌دوست، امین شریفی و بابک شکیبا (شعله‌ور). سایر نامزدها به مرور و در روزهای آتی معرفی خواهند شد. دوازدهمین جشن بزرگ سینمای ایران ۲۷ آذر به دبیری جعفر گودرزی در ایوان شمس برگزار خواهد شد.

پیام صابری درگذشت



● **گروه هنر:** پیام صابری، بازیگر، طراح کرم و کارگردان تلویزیون و همسر زیا بروفه، بازیگر سینما و تلویزیون، بود که بر اثر سکته قلبی در ۴۵ سالگی دار فانی را وداع گفت. این هنرمند کار چهره‌پردازی را با دستکاری در مجموعه تلویزیونی «امام‌علی(ع)» با همکاری داوود میرباقری آغاز کرد و با بازی در سریال «ریحانه» به مردم شناخته شد. صابری در آخرین روزهای عمر خود مشغول ساخت سریالی با عنوان «کوله‌پشتی» بود که متأسفانه فرصت تمام‌کردن آن را پیدا نکرد. در پی درگذشت پیام صابری، بازیگر، طراح کرم و کارگردان تلویزیون، بنیاد سینمایی فارابی در پیامی درگذشت این هنرمند را به جامعه سینمایی تسلیت گفت. به گزارش روابطعمومی بنیاد سینمایی فارابی، علیرضا تایش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، در پیامی درگذشت پیام صابری، بازیگر و چهره‌پرداز، را تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «پیام صابری به گواه همراهانش در طی طریق هنر کوشا و تلاشگر بود. ازدست‌دادن این هنرمند جوان ضایعه‌ای تلخ برای سینمای ایران است و نام‌وی با آثاری که از خویش بر صفحه هنر ایران به‌جای گذاشته ماندگار. ضمن عرض تسلیت و آرزوی صبر به خانواده‌های صابری و سرکار خانم زیا بروفه هنرمند سینما، درگاه خدای منان برای پیام صابری عزیز بلام آرومش دارم. او متولد سال ۱۳۵۲ تهران و همسر زیا بروفه، بازیگر سینما و تلویزیون بود.

کارگاه آموزشی «بنای فعالیت سندیکایی در تئاتر آلمان»

- گروه هنر:** کارگاه آموزشی «بنای فعالیت سندیکایی تئاتر در آلمان» با سخنرانی محمدعلی بهبودی در خانه تئاتر برگزار می‌شود. کارگاه آموزشی «بنای فعالیت سندیکایی تئاتر در آلمان» با سخنرانی محمدعلی بهبودی در خانه تئاتر برگزار می‌شود. محمدعلی بهبودی بازیگری تئاتر را در مدرسه تئاتر آناهیتا از مصطفی اسکویی آموخت. وی سپس در سال ۱۹۸۴ به آلمان مهاجرت کرده و دیلم بازیگری را هم‌زمان با همکاری در تأسیس گروه تئاتر باربد، در شهر کلن آلمان دریافت کرد. در سال ۱۹۸۹ کار را در تئاتر شهر اشتوتگارت آغاز کرد و سپس در تئاترهای شهر زوریخ و هامبورگ ادامه داد. بازی در بیش از صد نمایش و کارگردانی نمایش‌های بوزه چرمی، ضدلای، و دانیل کال اوژن یونسکو، هزارویک‌شب امروز و... ازجمله آثاری است که بهبودی در آلمان کارگردانی کرده است. این کارگاه آموزشی چهارشنبه در عمارت جدید خانه تئاتر برگزار خواهد شد.